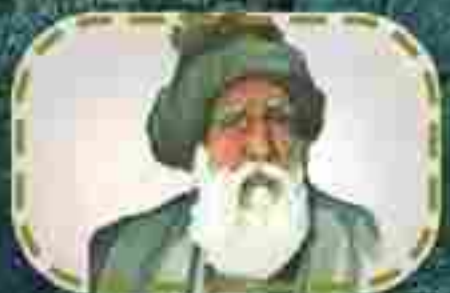
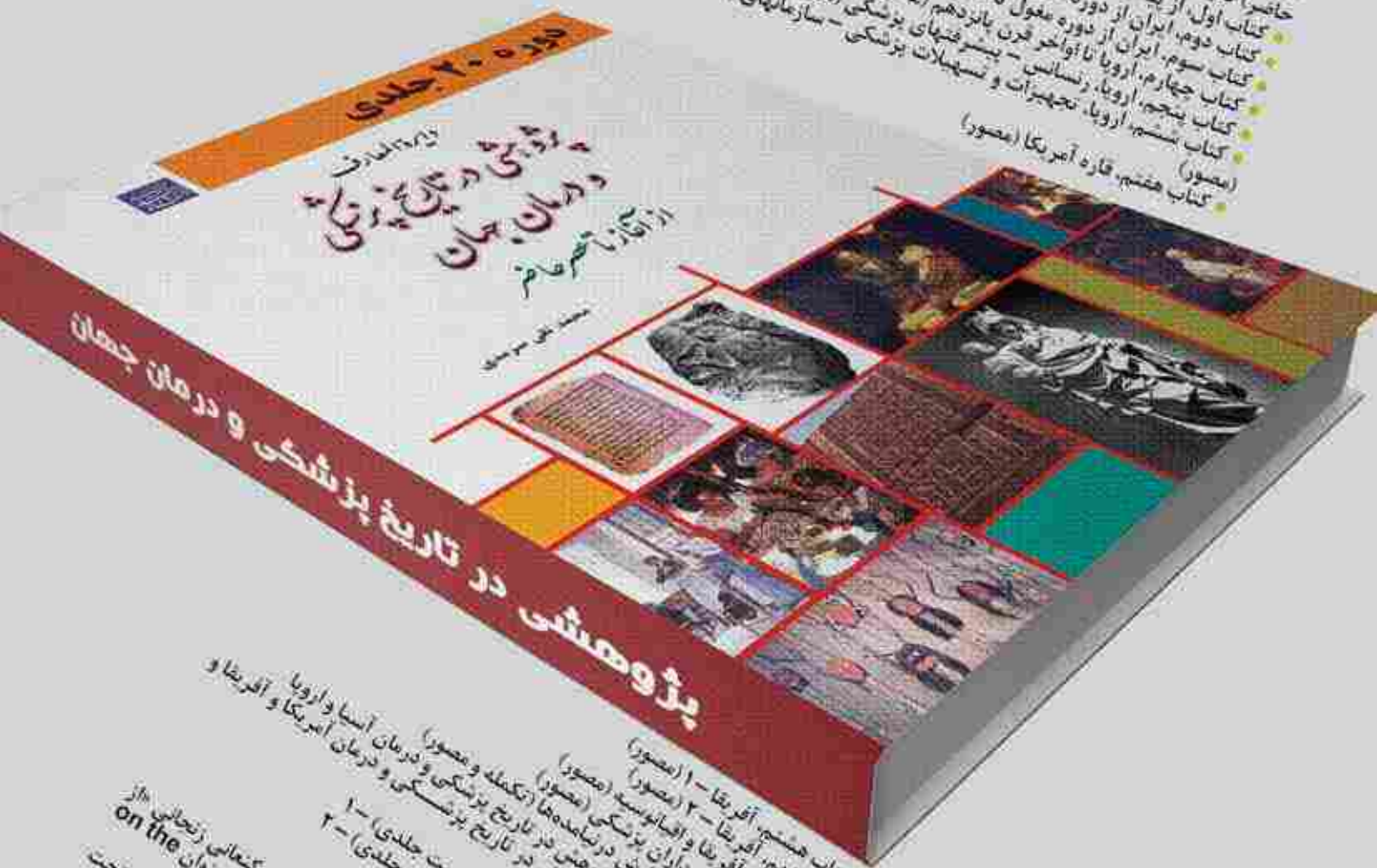


تفسیر عرفانی قرآن کریم بہ نقل از خواجہ عبداللہ انصاری
ابوعلی حسین بن عبداللہ بن حسن بن علی بن سینا
سلمان فارسی یا سلمان محمدی
نگاہی بہ زندگی ابوریحان بیرونی
از مهمترین رخدادهای تاریخ، اختراع دستگاہ چاپ



دایره‌المعارف ۳۰ جلدی (پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر) تألیف و پژوهش محمد تقی سرمدی

- کتاب اول، از یسگانان تا طب اسلامی حاضر (بخش اول)
- کتاب دوم، ایران از دوره مغول تا عصر حاضر (بخش دوم)
- کتاب سوم، اروپا تا اواخر قرن نوزدهم (مصور)
- کتاب چهارم، اروپا، رنسانس - پیشرفت‌های پزشکی (مصور)
- کتاب پنجم، اروپا، تجهیزات و تسهیلات پزشکی (مصور)
- کتاب هشتم، قاره آمریکا (مصور)



پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان

- کتاب هشتم، آفریقا - ۱ (مصور)
- کتاب نهم، آفریقا - ۲ (مصور)
- کتاب دهم، آفریقا و اقیانوسیه (مصور)
- کتاب یازدهم، نامداران پزشکی (مصور)
- کتاب دوازدهم، بدنگارش در نامه‌ها (مصور)
- کتاب سیزدهم، تلخیص پژوهش در تاریخ پزشکی و درمان آمریکا و آفریقا و اقیانوسیه
- کتاب چهاردهم، تلخیص پژوهش در تاریخ پزشکی و درمان آسیا و اروپا
- کتاب پانزدهم، (راه‌های دایره‌المعارف بیست جلدی) - ۱
- کتاب شانزدهم، (راه‌های دایره‌المعارف بیست جلدی) - ۲
- کتاب هجدهم، (راه‌ها و طبیعت)
- کتاب نوزدهم، (جهد اول) به زبان انگلیسی تحت عنوان «از پیشگامان تا طب اسلامی» (جلد اول)
- کتاب بیستم، ترجمه «راه‌ها و طبیعت» (جلد هفدهم) به زبان انگلیسی تحت عنوان «History of World Medicine and Treatment» (جلد هفدهم)
- کتاب بیست و یکم، ترجمه «راه‌ها و طبیعت» (جلد هجدهم) به زبان انگلیسی تحت عنوان «Guide book and Vanguard (Former Book XII)» (جلد هجدهم)

به نام خداوند جان و خرد
احمد که جلوه گاه عنایات سرمد است
برجمله خلائق عالم سرآمد است



ماهنامه پژوهشی، تحلیلی و خبری

در زمینه دانش و فرهنگ و جامعه
سال چهاردهم / شماره ۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷ / تیر، مرداد،
شهریور ۱۴۰۰

ISSN: 2008-3920 SARMAD MAGAZINE

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد تقی سرمدی
جانشین مدیر مسئول: رضا سرمدی

مدیر اجرایی: مجید خانلری

مدیر فرهنگی: فاطمه سرمدی

امور رایانه: محمد سرمدی، مریم سرمدی

گروه فرهنگی: مصطفی سرمدی، نگین محمدزاده مهر

سپهر سرمدی

صفحه آرایی و طراحی جلد: دانیال اسماعیلی
خوشنویسی و طراحی نشانه نشریه: استاد جلیل رسولی
همکاران با این شماره:
استاد ناصر پویان

چاپخانه:

ماهنامه سرمد: تهران خیابان انقلاب، اول خیابان دوازده

فروردین پلاک ۲۸۳ - زیر زمین دوم - واحد ۲۱

تلفن: ۴۴-۰۴۴۸۷۳۴۰-۶۶۴۸۷۳۴۰ صندوق پستی: ۱۴۴-۱۳۱۴۵

۰۹۱۰۱۱۱۱۳۳۲

web: www.sarmadipress.com

Email: sarmadipress@yahoo.com

انتشارات سرمدی ناشر آثار ماندگار

سایت انتشارات سرمدی بروز رسانی گردید



نگاهی به شماره های گذشته

فهرست



۴

۴ به بهانه انتشار کتاب تفسیر عرفانی قرآن کریم به نقل از
خواجه عبدالله انصاری

۶ معرفی کتاب تفسیر عرفانی قرآن کریم به نقل از خواجه
عبدالله انصاری

۸ ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا

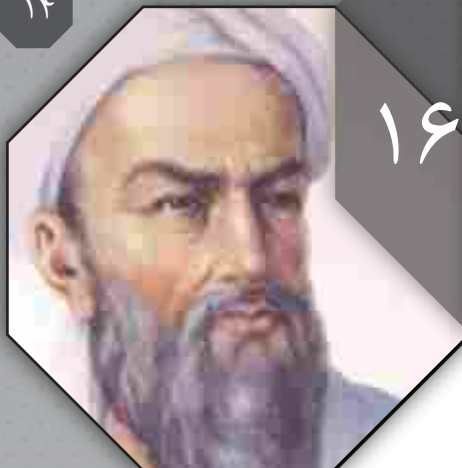
۱۰ معرفی کتاب دست مشکیها

۱۲ سلمان فارسی یا سلمان محمدی

۱۴ معرفی کتاب یک جرعه شعر

۱۶ ابوریحان بیرونی

۱۸ از مهمترین رخدادهای تاریخ، اختراع دستگاه چاپ



۱۶



سر مقاله

محمد تقی سرمدی

به بهانه انتشار کتاب



تفسیر عرفانی قرآن کریم

به نقل از خواجه عبدالله انصاری

بیکر نظامی گنجوی، تاریخ بیهقی، و بسیاری متون ارزشمند و برجسته‌ی دیگر در زبان و ادب فارسی گنجینه‌ای را در اختیار صاحبان ذوق و اندیشه قرار داده‌اند تا سلسله‌ی سخن شیرین پارسی استوار و پیوسته برقرار و بردوام بماند.

در این میان، تفسیر قرآن کریم از مهمترین عرصه‌های تولید فکر و اندیشه و طبع‌آزمایی در سخنوری بوده است. دانش تفسیر قرآن کریم از دانش‌های پرسابقه و بسیار غنی و پیچیده در علوم اسلامی است. از نظر علامه طباطباییه تفسیر به معنای برداشتن برده‌ی ابهام و نشان دادن معنای باطنی و درونی الفاظی است که

ادبیات فارسی بعد از ورود اسلام به ایران هم از نظر محتوا و مضامین و هم از نظر فنون و صنایع ادبی بسیار پیشرفت کرد و آنچنان بر غنای آن افزوده شد و آثار برجسته و فاخری توسط اندیشمندان و نویسندگان به این زبان شیرین و دلنشین پدید آمد که تا به امروز بی‌نظیر و بی‌همتا و محل بحث و کندوکاو علمی و ادبی و الهام‌بخش ادیبان و راهنمای پژوهشگران‌اند. آثاری چون گلستان و بوستان و غزلیات سعدی، مثنوی معنوی و دیوان شمس و فیه‌ما فیه مولوی، منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه‌ی عطار نیشابوری، هفت اورنگ جامی، مخزن‌الاسرار و هفت

تفسیر «کشف الاسرار و عدة الابرار» در زمرة تفسیرهای عرفانی است با نثری بسیار زیبا و عباراتی عمیق و تأثیرگذار که اصلاً به زبان فارسی نوشته شده و علاوه بر آموزه‌های عرفانی و نکته‌یابی‌های قرآنی، معرف نثر فارسی در قرن ششم هجری است. این تفسیر قدیمی‌ترین تفسیر عرفانی فارسی است که گفته شده بر اساس تفسیر خواجه عبدالله انصاری (که امروز اثری از آن در دست نیست) توسط ابوالفضل رشیدالدین میبیدی (از شاگردان برجسته‌ی خواجه عبدالله) در دهه‌ی ۵۲۰ هجری قمری به نگارش در آمده است. ساختار تفسیر میبیدی برای هر سوره سه بخش دارد. ابتدا آیاتی از هر سوره را به فارسی ترجمه کرده، سپس عقاید مفسرین و تحقیقات اهل فن را در باره‌ی همان قسمت بیان می‌کند و در بخش سوم نکات و دریافت‌های عرفانی، خصوصاً به نقل از خواجه عبدالله انصاری را نقل می‌نماید. این تفسیر نخستین بار در سال ۱۳۳۷ خورشیدی به کوشش علی اصغر حکمت از سوی دانشگاه تهران در ده جلد چاپ شد و بعد از آن گزیده‌هایی از این اثر ارزشمند توسط محققان و ادیبان ارائه گردید تا حجیم بودن آن مانعی برای استفاده‌ی عموم علاقه‌مندان نباشد.

مجموعه‌ی فرهنگی سرمدی نیز که همواره نشر قرآن کریم و علوم قرآنی و عرفان اصیل را در صدر فعالیت‌های خود قرار داده، پس از انتشار قرآن کریم خوشنویسی‌شده به خط نستعلیق و با ترجمه‌ی استاد ابوالفضل بهرام‌پور، مترصد فرصتی بود تا گزیده‌ای روزآمد از این تفسیر گرانبها را به دوستداران علوم قرآنی و رموز عرفان اسلامی عرضه نماید و خوشبختانه پیشنهاد سرکار خانم این فرصت را فراهم آورد. کتاب حاضر حاصل چند سال مطالعه و تفحص ایشان در تفسیر کشف الاسرار و توضیح عبارات دشوار آن برای مخاطب امروزی است. متونی از این دست گذشته از اینکه ارزش ادبی بسیار بالایی دارند و ذهن مخاطبان را با ادبیات غنی فارسی آشنا می‌کنند، حاوی مفاهیم دقیق و نکته‌های مکشوف و رویکردهای انسان‌سازند؛ همان مواردی که انسان امروزی در این روزگار وانفسا به شدت بدانها نیاز دارد. بی‌گمان در تمام مراحل، امداد حضرت حق شامل حال همه‌ی دست‌اندرکاران شد تا این اثر به چاپ برسد و امیدواریم در وهله‌ی نخست این تلاش مقبول حضرت حق واقع شود و سپس مورد توجه و استفاده‌ی نسل امروز که تشنه‌ی حقایق معنوی، و در عین حال آماج افکار و مضامین سطحی و حتی گمراه‌کننده در قالب عرفان‌های نوظهور است، قرار گیرد.

در نگاه اول به دست نمی‌آید و بنابراین «تفسیر یعنی روشن ساختن مفهوم آیات قرآن مجید، و واضح کردن منظور پروردگار». از این منظر، کوشش‌های مفسران در قرون گذشته در واقع گام برداشتن در مسیر تفهیم و تفهیم مصحف شریف بوده و همین امر به تقویت زبان و بیان کمک فراوان کرده است؛ چه آنکه قرآن کریم به عنوان منبع اصلی متون تفسیری، خود از وجوه گوناگون و از جمله از نظر ادبی، اعجاز‌آمیز است.

تفسیرهایی که بر قرآن مجید در قرون گذشته در محدوده‌ی زبان فارسی به نگارش در آمده از جنبه‌های مختلف قابل بررسی و دسته‌بندی است. اول، از جهت زبان به دو دسته‌ی فارسی و عربی تقسیم می‌شوند. برخی تفسیرها از اصل به فارسی بوده مانند تفسیر «روض الجنان و روح الجنان» نوشته‌ی ابوالفتح رازی در قرن ششم هجری که از تفاسیر مهم شیعی هم محسوب می‌شود. برخی دیگر را دانشمندان ایرانی ابتدا به زبان عربی، که زبان علمی جهان اسلام در آن قرون بوده نوشته‌اند؛ مانند تفسیر «کشاف» از جارالله زمخشری متعلق به قرن ششم هجری که بعداً توسط ادیبان و دانشمندان مختلف به فارسی برگردانده شده است.

از نظر مذهبی نیز تفسیرها به دو دسته‌ی کلی تفاسیر شیعی و تفاسیر اهل سنت تقسیم می‌شوند. از مهمترین تفسیرهای شیعی مربوط به قرون گذشته می‌توان به «تفسیر تستری» تألیف سهل بن عبدالله تستری (قرن سوم هجری)، «التفسیر» تألیف محمد بن مسعود عیاشی (قرن سوم هجری)، «التبیین فی تفسیر القرآن» تألیف شیخ طوسی (قرن پنجم هجری)، «فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام» تألیف قطب‌الدین راوندی (قرن ششم هجری)، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» تألیف فضل بن حسن طبرسی (قرن ششم هجری)، «سعد السعود» تألیف سید ابن طاووس (قرن هفتم هجری)، «تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم» (به زبان فارسی) تألیف سیدحیدر آملی (قرن هشتم هجری)، «جواهر التفسیر» تألیف ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری (قرن نهم هجری) و موارد پرشمار دیگر اشاره کرد. از تفاسیر مهم اهل سنت (که در ایران به نگارش درآمده‌اند) باید از تفسیر «جامع البیان عن تأویل آیات القرآن» تألیف محمد بن جریر طبری (قرن سوم هجری)، تفسیر سوره‌آبادی (به زبان فارسی) تألیف ابوبکر عتیق نیشابوری (قرن پنجم هجری)، «المفردات فی غریب القرآن» تألیف راغب اصفهانی (قرن ششم هجری)، «انوار التنزیل و اسرار التأویل» معروف به تفسیر بیضاوی تألیف ناصرالدین عبدالله بیضاوی (حکیم، متکلم، مفسر، محدث و مورخ ایرانی قرن هفتم هجری)، و... یاد کرد.

همچنین به لحاظ شیوه‌ی نگارش، دو نوع تفسیر ترتیبی و موضوعی داریم. تفسیر ترتیبی یا جامع آن است که همه‌ی آیات قرآن از ابتدا تا انتها تفسیر شده‌اند اما در تفسیر موضوعی، برخی آیات تفسیر گردیده‌اند. از نظر روش، با سه نوع تفسیر روبه‌رویم: تفسیر روایی، تفسیر قرآن به قرآن، و تفسیر به رأی. از نظر رویکرد هم تفسیرها انواع مختلفی دارند، مانند تفاسیر ادبی، تفاسیر اجتهادی، تفاسیر اجتماعی، تفاسیر عرفانی و... .



نازه ترین اثر ارزشمند قرآنی و عرفانی توسط انتشارات سرمدی

تفسیر عرفانی قرآن کریم به نقل از خواجه عبدالله انصاری

● مینو فرید پطهرانی

مجموعه مطالبی که اینک تقدیم پیشگاه احدیت و هواخواهان ادب و معرفت الهی می‌گردد، از تفسیر قرآن شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری است که شامل گزیده‌ای از تفسیر آیات قرآن کریم و نتیجه‌ی تلاش مستمر و مطالعاتی است که از جانب پروردگار به اینجانب عنایت شده. انگیزه‌ی تحقیق و تفحص و گردآوری این مطالب به چهار سال پیش برمی‌گردد، زمانی که ماه مبارک رمضان شروع شده و قصد آغاز قرائت قرآن کریم را داشتیم با این هدف و برنامه که خواندن قرآن همراه فهم آن آیات عظیم و استفاده از تفسیری در خور فهم بنده باشد تا بدین وسیله به تعامل برسیم.

در آن زمان به شکل شگفت‌انگیزی تفسیر قرآن خواجه عبدالله انصاری به دستم رسیده بود. با توجه به زمینه‌ی مطالعه و شناختی که از سال‌ها قبل نسبت به این شخصیت بزرگ داشتم و از ارادتمندان و شیفتگان سخنان نغز و باشکوه ایشان بودم، بر آن شدم که به جمع‌آوری و گزینش تفسیر او از برخی آیات قرآن بپردازم. در این کار هر چه بیشتر

تو مرا امروز می‌دانی، من امروزی نیستم، دانش تو امروز است و من از قدیمم، دیری است که با تو راز می‌گفتم و تو اکنون می‌شنوی. شما اطفال عدم بودید که لطف قدیم کار شما می‌ساخت.

پس چگونه می‌توان دور از خدایی بود که این چنین عاشق بندگان است؟ خداوند را هم لطف است و هم قهر. به لطف او کعبه و مساجد بنا کنند و به قهر او بتکده و دیرها برآرند.

این چنین شد که پس از مطالعات فراوان دریافتم فهمی بالاتر نیاز است تا درک این آیات و عبارات مقدس را میسر سازد. خوشبختانه با وجود اساتید معنوی بزرگواری که همیشه راهگشای بنده در درک و آگاهی مسائل دینی و عرفانی بودند بار دیگر از این سعادت و عنایت الهی بی‌بهره نماندم و مفهومی روشن و عمیق از آنچه سؤال بود برایم شکل گرفت. نتیجه این بود که شوق سهیم شدن این عظمت‌های معنوی بیشتر و بیشتر می‌شد تا جایی که بر این اراده شدم که این مجموعه در دسترس طالبان حق

می‌رفتم شیفتگی‌ام به این سخنان دلنشین بیشتر اوج می‌گرفت. به آیاتی برمی‌خوردم که گویی خداوند با این بنده‌ی ناچیز در گفتگو است؛ مانند این آیه: «لطف الهی بود که بنده را به وقت گناه نادان خواند تا او را عفو کند و به وقت شهادت دانا خواند تا گواهی او را بپذیرد.» یا در جای دیگر که می‌فرماید: «نخست بیامرزم، آن گاه توبه پذیرم.»

با خود می‌اندیشیدم آیا از کتاب یا منابع دیگری جز قرآن می‌توان این عظمت‌های اخلاقی و معنوی را برداشت کرد؟ خداوند انسان را با عشق خلق کرد و فرمود: «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأَعْرِفَ»؛ یعنی گنج مخفی بودم و با خلقت انسان می‌خواستم شناخته شوم. در جای دیگر می‌فرماید: آسمان‌ها و زمین و ستارگان زیبا جمله برای توست، فردا که تو نباشی (روز رستاخیز فرا رسد) آن سقف فروگشاید، این بساط درنوردد و ستارگان فروریزند. بساطی که برای دوست گسترده‌اند، چون دوست رفت برچینند. بنده‌ی من!

و جمال اهل حقیقت و... یاد و سخنان ارجمند ایشان را نقل کرده است. درباره‌ی رشیدالدین ابوالفضل احمد بن محمد میبیدی، سیره‌نویسان و شرح‌حال‌نویسان گفته‌اند که نزد خواجه عبدالله انصاری به شاگردی پرداخته و پس از چهل سال از درگذشت استادش در سال ۵۲۰ هجری قمری نگارش تفسیر استاد را به عهده گرفت. تفسیر وی یکی از بزرگترین و پر حجم‌ترین کتب تفسیری است که در طریقه‌ی عرفانی و مشرب صوفیه نوشته شده است. این تفسیر در ده جلد با نثری زیبا و عباراتی محکم نوشته شده و از منابع بسیار مهم ادبیات قرآنی سده‌های پنجم و ششم هجری به شمار می‌آید و برای آنکه عموم علاقه‌مندان بتوانند از گوهر معانی این اثر بهره‌مند شوند، در دو جلد خلاصه شد تا استفاده از آن برای مشتاقان ادب پارسی آسان‌تر گردد.



هجری قمری در همان دیار سفر روحانی خود را آغاز نموده و به دیدار حق شتافت. مزار او زیارتگاه خاص و عام است. خواجه عبدالله مشهور به شیخ‌الاسلام از حافظان حدیث به شمار می‌رفت و از آنجا که در حوزه‌ی ایران فرهنگی (که بسیار وسیع‌تر از مرزهای سیاسی ایران امروز بوده است) می‌زیست به زبان فارسی با نثری رسا و نظم‌ی شیوا سخن می‌گفت. خواجه عبدالله در ادبیات عرب، فقه، حدیث، و تاریخ نیز تبحر فراوانی داشت و در تفسیر قرآن کریم پیشوایی کامل به شمار می‌آمد. در تصوف نیکوسیرت بود و هیچ‌گاه به کسب و کار مشغول نگشت و به آنچه مریدان و پیروان برایش می‌آوردند اکتفا می‌کرد. از پادشاهان و ارکان دولت چیزی دریافت نمی‌کرد و به ندرت به آنان توجه می‌نمود و هرگز به دیدن آنان نمی‌رفت و ارزشی برایشان قائل نبود. بدین سبب در نظر مردم عزیز و مقبولیت عام یافته بود و حدود شصت سال بدون هیچ مزاحمتی از او پیروی کردند و امرش را مطاع دانستند.

چهل سال پس از وفات خواجه، تقریرات ایشان در اختیار امام احمد میبیدی که از شاگردان برجسته‌ی خواجه عبدالله بود قرار گرفته و او آن را شالوده‌ی کار خود در نوشتن کتاب «کشف‌الاسرار» و «کشف‌الاسرار» قرار داد. کتاب بزرگ «کشف‌الاسرار» و «کشف‌الاسرار» در ده جلد به رشته‌ی تحریر در آمده و حاوی تفسیر خواجه عبدالله انصاری از آیات قرآن مجید است. میبیدی در موارد بسیاری در این متن از خواجه با القاب پیر طریقت، عالم طریقت

و حقیقت قرار داده شود تا علاقه‌مندان بتوانند از آن بهره‌ای معنوی داشته باشند. حیف است انسان‌هایی که می‌خواهند بدانند دور از این مفاهیم نغز و دل‌نشین باشند. عظمت‌های کائنات را مشاهده می‌کنند و متحیرند و در این تحیر سر در گم. شاید تا به حال جوابی نداشته‌اند و ندانند از کجا آمده‌اند و به کجا خواهند رفت. به گفته‌ی مولانا، شاعر عارف مسلک:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود
به کجا می‌روم؟ آخر نمایی وطنم
این آیات و عبارات الهی جوابی برای
اذهان جستجوگر این دسته از عزیزان
می‌باشد. این شرط وفای به حق است که از
دریافت مائده‌های الهی قسمتی را هم تقدیم
خلق کنیم. به فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله
هر کس باید به قرآن راه جوید تا قرآن او را
در راه قرار دهد و به راه صدق و حق راند.
کامیابی در تألیف این مجموعه‌ی مقدس،
بعد از توفیق حق، مدیون اساتید بزرگوار، از
جمله جناب دکتر علی رافعی، جناب آقای
محسن امیدی، سرکار خانم عزت وهنانی
و استاد ارجمند سرکار خانم اکرم جهانگیر
بوده که با کمال مهر و دلگرمی وقت خود
را در اختیار بنده گذاشته و پاسخ بسیاری
از سؤالات را به عهده گرفتند و همچنین
راهنمایی و رهنمودهای جناب آقای
محمدتقی سرمدی که در تحریض و ترغیب
من مساعی بسیار به کار بردند و شکیبایی
نشان دادند و مرا مرهون الطاف خود ساختند
و نیز آقای رضا سرمدی نیز باید سپاسگزاری
کنم. و البته همسر من در تمام طول این دوره
همراهی‌های لازم را با اینجانب داشته‌اند.
وظیفه‌ی خود می‌دانم از تمامی این عزیزان
و بزرگواران سپاسگزاری و قدردانی نمایم.
درباره‌ی پیر هرات، خواجه عبدالله انصاری
گفته‌اند ولادت ایشان در شعبان سال ۳۹۶
هجری قمری در هرات، از شهرهای کنونی
افغانستان بوده و در ماه ذی‌الحجه سال ۴۸۱

اول شهریور روز پزشک گرامی باد

ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا

ابوعلی سینا با نام کامل ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا، پزشک، دانشمند، فیلسوف، منجم، نویسنده و ریاضیدان بزرگ جهان در یکم شهریور سال ۳۵۹ هجری شمسی مصادف با ماه صفر سال ۳۷۰ هجری قمری و در قرن چهارم هجری، در روستایی به نام خرمیثن در حوالی بخارا که مرکز حکومت سامانیان بود به دنیا آمد. نام او در زبان‌های لاتین مشهور به Avicenna است. پدر او عبدالله از اهالی بلخ و مادرش ستاره اهل روستایی در افشنه بود.

ابن سینا از همان آغاز کودکی استعداد و هوش عجیبی در آموختن علوم مختلف داشت. پدرش از کودکی برای تعلیم و تربیت او تلاش بسیاری می‌کرد. او علم فقه را نزد استاد اسماعیل زاهد آموخت. پس از آن پدرش او را برای فراگیری علم منطق و هندسه نزد استاد ابو عبدالله ناتلی فرستاد. او در ده سالگی قرآن را حفظ کرده بود و ادبیات، هندسه و ریاضیات، صرف و نحو عربی را نیز میدانست. کتاب‌های اصول اقلیدس، مقدمه‌ی پورفیری و المجسطی نوشته‌ی بطلمیوس از آثاری هستند که ابن سینا در کودکی و زیر نظر اساتید مختلف مطالعه کرد. ابن سینا پس از ۴۰ بار مطالعه علم متافیزیک ارسطو با عنوان کتاب مابعدالطبیعه نتوانست مفهوم آن را درک کند و ابهامات زیادی برایش به وجود آمد که به کمک کتاب اغراض مابعدالطبیعه



فارابی توانست آن را بفهمد و به حقیقت آن پی ببرد. او با مطالعه نوشته‌های پزشکان پیشین و در کوتاه‌ترین زمان توانست علم طب را نیز بیاموزد و در جوانی موفق شد بیماری امیر سامانی را درمان کند که به عنوان پاداش به او اجازه داده شد از کتابخانه مخصوص شاهزادگان سامانی استفاده کند و این امر باعث شد او بتواند بیشتر از قبل بر علم خود بیافزاید. ابن سینا با مطالعه و

فارابی توانست آن را بفهمد و به حقیقت آن پی ببرد. او با مطالعه نوشته‌های پزشکان پیشین و در کوتاه‌ترین زمان توانست علم طب را نیز بیاموزد و در جوانی موفق شد بیماری امیر سامانی را درمان کند که به عنوان پاداش به او اجازه داده شد از کتابخانه مخصوص شاهزادگان سامانی استفاده کند و این امر باعث شد او بتواند بیشتر از قبل بر علم خود بیافزاید. ابن سینا با مطالعه و

نام ابن سینا، حسین و نام پدرش عبدالله که فرزند حسن و حسن فرزند علی و علی فرزند سینا بود؛ بنابراین به ابن سینا یا ابوعلی سینا ملقب شد. عبدالله پدر ابن سینا اهل بلخ بود و در زمان سلطنت نوح دوم

شهر زیبا زندگی کرد ولی پس از اینکه دچار بیماری شد دوباره به همدان برگشت.

ابن سینا در اصفهان

ابن سینا هنگام ورود به اصفهان با احترام زیاد علاءالدوله حاکم وقت مواجه شد بنابراین در اصفهان سکونت گزید و حدود ۱۵ سال از عمر خود را در خدمت علاءالدوله گذراند و در بیشتر سفرها با او همراه بود.

شاگردان ابن سینا

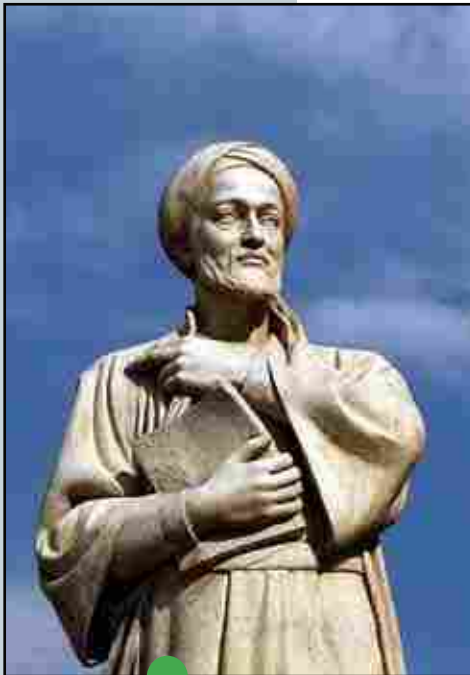
ابن سینا در دوران زندگی خود علاوه بر آموختن علوم مختلف و تالیف آثار مهم و ارزشمند، شاگردان زیادی را نیز تربیت کرده است که هر کدام دانشمندان و نام آوران بزرگی در دوران خود شدند. از جمله این شاگردان میتوان به افراد زیر اشاره کرد:

ابوعبید جوزجانی

ابوالحسن بهمنیار

ابو منصور طاهر اصفهانی

ابوعبدالله محمد بن احمد المعصومی



سامانی از پادشاهان سامانی از بلخ به بخارا آمد و کارمند دارایی روستایی بنام خریشان شد و از ده نزدیکی بنام افشنه با دختری بنام ستاره ازدواج کرد و اولین فرزندش را حسین نام گذاشت که همان ابن سیناست. پدر و برادر ابن سینا مجذوب تبلیغات اسماعیلیه شده بودند، اما ابن سینا از آن دو پیروی نکرد. وی حافظه و هوشی خارق العاده داشت. به طوری که در ۱۴ سالگی از آموزگار خود پیشی گرفت.

او علم منطق را از استادش ابو عبدالله ناطلی آموخت. او کسی را نداشت که از وی علوم طبیعی یا داروسازی را فرا بگیرد و پزشکان مشهور از دستور کارهای او پیروی می کردند. البته وی در فراگیری علم متافیزیک ارسطو دچار مشکل شد که تنها به کمک اغراض مابعدالطبیعه فارابی توانست آن را بفهمد. در جوانی او امیر نوح سامانی را از یک بیماری سخت نجات داد. امیر خراسان در ازای این کار اجازه داد که ابن سینا از کتابخانه باشکوه مخصوص شاهزادگان سامانی استفاده کند. در سن ۱۸ سالگی، ابن سینا بر بسیاری از علوم زمانه خود تسلط یافت. پیشرفت های بعدی وی، مرهون استدلالهای شخصی اش بود.

ابن سینا در چه علوم و فنونی مهارت داشت؟

به دلیل تسلط ابو علی سینا بر علوم مختلف مانند پزشکی، ریاضیات، نجوم، روانشناسی، جغرافیا، زمین شناسی، فیزیک، شیمی، شعر و ادبیات، منطق و موسیقی، او را همه چیزدان می نامیدند.

همسر ابوعلی سینا

در منابع تاریخی به طور قطعی از ازدواج ابوعلی سینا سخن گفته نشده است ولی به گفته برخی او با کنیز فراری خلیفه بغداد که یاسمین نام داشت ازدواج کرد که البته مدت زیادی نگذشت که خلیفه بغداد یاسمین را پیدا کرد و او مجبور به جدایی از ابوعلی سینا شد.

سفرهای ابن سینا

ابن سینا سفرهای زیادی به شهرهای مختلف داشته است. وی ابتدا در سال ۴۰۲ هجری گرگانج را به مقصد جرجان برای دیدار دوست خود کاووس بن وشمگیر دیلمی ترک کرد. ابن سینا در راه این سفر، به سوی خراسان رفت. پس از مدتی او از جرجان به ری سفر کرد و مدتی در دستگاه حکومتی آل بویه به حاکم آن زمان، مجدالدوله رستم خدمت کرد. ابو علی سینا در سال ۴۰۵ به قزوین رفت و سپس وارد همدان شد. او چندی بعد تصمیم به مهاجرت به اصفهان گرفت و مدتی نیز در این

علت مرگ و آرامگاه ابو

علی سینا

ابو علی سینا در طول مدتی که در اصفهان زندگی میکرد مورد توجه علاءالدوله قرار داشت و زندگی آرامی را گذراند تا اینکه اصفهان مورد حمله مسعود غزنوی قرار گرفت. در این حمله برخی از آثار مهم ابن دانشمند بزرگ از بین رفت. این اتفاق ضربه بزرگی به او وارد کرد. پس از این اتفاق ابو علی سینا که درگیر بیماری قولنج نیز شده بود، تصمیم گرفت به همدان برود و آنجا زندگی کند. سرانجام در دوم تیر ماه سال ۴۱۶ هجری شمسی، در ۵۷ سالگی از دنیا رفت و در شهر همدان به خاک سپرده شد. در برخی منابع گفته شده است که همین بیماری قولنج علت مرگ ابو علی سینا بوده است ولی علت مرگ او به طور قطعی ذکر نشده است. آرامگاه او در میدان بوعلی سینا در مرکز شهر همدان واقع شده است. این اثر در سال ۱۳۷۶ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید.

معرفی کتاب دست مشکی‌ها

نوشته: شهناز آلوش (با مقدمه محمد میرزایی)



مقدمه

جای اقیانوس‌ها دست پیدا کنیم. همه ما در خانهای زندگی می‌کنیم که آن را نمی‌شناسیم. اینکه قبل ما چه کسی به جای ما زندگی می‌کرده، چگونه از لوازم آن استفاده می‌کرده و چه‌طور برای بقایش تلاش می‌کرده. می‌توانیم بگوییم که فقط ما روش‌های تازه‌ای برای از بین بردن سریع‌تر منابع این خانه پیدا کرده‌ایم.

از دست طبیعت گرفتیم و به طبیعت نیز برگشتیم؛ ولی هرگز قدردان آن نبودیم. به فکر جایگزینی برای زمین هستیم، به جای آنکه به فکر رسیدن به نسخه‌ای بهتر از انسانی که هستیم باشیم.

گیاهان و حیوانات را به بردگی خود در آوردیم. با حضور آنها رشد کردیم و نسل خود را ادامه دادیم. در مدرسه روابط ریاضی را بهتر از روابط بینمان و رفتارمان با طبیعت یاد گرفتیم. سرنوشت خود را از زبان خود خواندیم و خیلی دیر به یادمان افتاد که ما هم جزء زنجیره جدانشدنی طبیعت هستیم. آموختیم که چگونه

میلیاردها سال عمر هستی، چهار و نیم میلیارد سال عمر زمین و انسانی که اجدادش کمتر از ۳۰ هزار سال روی زمین سابقه زندگی دارند، خود را صاحب زمین و همه حیات آن می‌دانند. انسانی که پس از هزاران سال مکیدن تنها سیاره‌اش، برای پیشرفت و ارضای خود، آسیب‌هایش به زمین گریبان‌گیر خودش شده است. برای آزمایش اشتباهاتش زمین را قربانی کرد و فراوانی خاک و آبش را برای خود دانست تا به هر نحوی هدر دهد.

درختانی که بدون ترس بریدیم، پسماندهایی به پای آب پاک جاری کردیم و آلوده کردن هوایی که بدون آن زنده نمی‌مانیم از آثار کشنده ما بر روی زمین بود.

شناخت ما از این سیاره و گذشته آن به نسبت کم است. به‌طوری که توانستیم به ماه برویم و روی مریخ پهپاد فرود بیاوریم؛ ولی هنوز نتوانسته‌ایم به عمیقترین



از انسان نسبت داده می‌شود، توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند و انسان ناخودآگاه می‌اندیشد وقتی یک حیوان از روی خرد و منطق با موضوعات مختلف برخورد می‌کند، چرا انسان چنین نکند که بر همه‌ی موجودات این جهان برتری دارد؟ و وقتی یک موجود خیالی به نام سایفر در فکر حفظ زمین است، چرا انسان چنین نباشد؟

سایفر رهبر و الیز، به‌همراه عده‌ای از ساکنان مارون‌وود راهی آنجا شدند تا بتوانند سایفرها و انسان‌های پیشرفته را ملاقات کنند، ساکنان سراسر کره زمین را عده‌ای از دستمشکی‌ها و سایفر رهبر همراه نواده‌های سایفر مادر که فرزندان‌شان حالا به تعداد بالایی رسیده بود، تشکیل داده بودند، حتی از اسکیموها هم تعداد کمی باقی مانده بودند، لحظه بزرگی بود برای سایفر رهبر و دستمشکی‌ها. نواده‌های الیز مشتاق دیدن سایفرها بودند، در زمان کوتاه و سریع همه از فضاپیما خارج شدند.

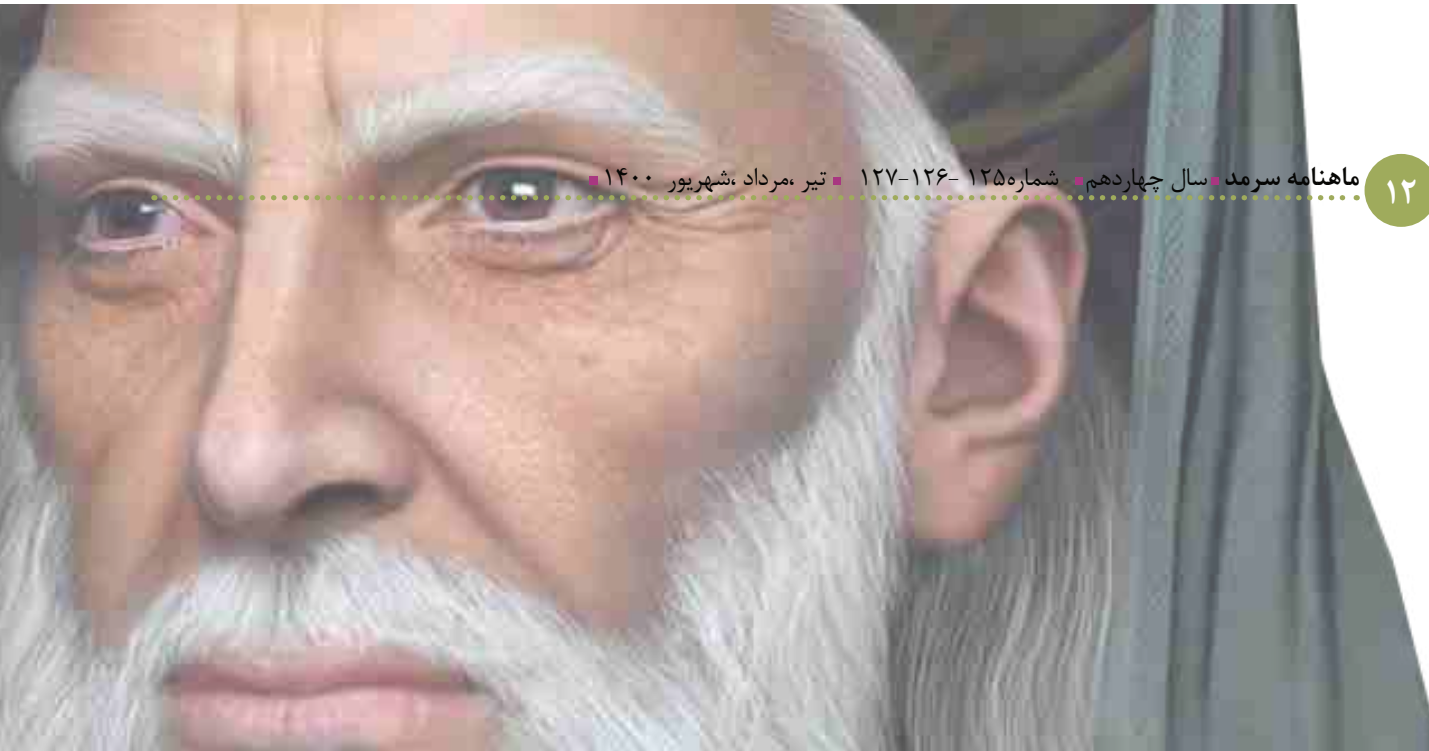
سایفر رهبر و دستمشکی‌ها هر کدام به نوعی ابراز علاقه خود را به آنها نشان دادند، عقاب باله‌ایش را باز کرده بود، مثل این بود که انرژی سیاره زمین دو را با خود آورده بود و می‌خواست بر پهنه آسمان بال بزند تا آنجا را هم گرم کند.

موجب انقراض گونه‌هایی از حیات شدیم و همزمان ابزاری برای تخریب سریعتر حیات اختراع کردیم. به گذشته، حال و آینده‌ای احتمالی خود نگاهی بیندازیم. شاید هنوز هم دیر نشده باشد.

مقدمه: نجات زمین

واقعیت این است که زندگی بشر و زمین را باید نجات داد و انسان‌هایی که روی این کره خاکی زندگی می‌کنند مسئول نجات خود و زمین هستند. من از دوران کودکی همیشه فکر می‌کردم باید کاری برای نجات زمین انجام دهم، یک کار بزرگ. بعداً فهمیدم که هر کاری که برای این منظور انجام دهیم، و هر قدمی که در این راه برداریم می‌تواند کاری بزرگ باشد. پس شروع کردم به نوشتن این داستان خیالی.

داستانی که در این کتاب تعریف می‌کنم، یک داستان کاملاً خیالی است و موجوداتی که از آنها به نام سایفر یاد شده، زاینده‌ی تخیل‌اند. در واقع آنها وظایفی را انجام می‌دهند که انتظار داریم انسان‌ها برای حفظ حیات در کره‌ی زمین انجام دهند. درست مثل داستان‌هایی که از زبان حیوانات در کتاب‌هایی مانند کلیله و دمنه تعریف شده در حالی که حیوانات حرف نمی‌زنند و نمی‌توانند بیندیشند. اما وقتی وظایف انسان به موجوداتی غیر



نگاهی به زندگی

سلمان فارسی یا سلمان محمدی

از صحابه پیامبر، اصحاب خاص امام علی (علیه السلام) و اولین مترجم قرآن به فارسی

از پیروان این آئین درباره کیششان سؤالاتی پرسید و علاقه خود را نیز به آنان ابراز کرد و با راهنمایی آنان به این دین در آمد و آئین مسیحیت را اختیار کرد. این عمل وی سبب شد که از سوی پدر و خانواده مورد مؤاخذه قرار گیرد.

سرانجام روزبه به همراه کاروانی رهسپار شام مرکز مسیحیت آن زمان شد و در شام در کلیسایی به مدت هفت سال به خدمت‌گذاری مشغول شد و بعد از آن نزد راهبی در موصل و بعد شهر عموریه رفت و از آنجا به همراه کاروانی برای پیدا کردن پیامبر اسلام به حجاز آمد ولی اهالی کاروان او را به یک یهودی

۳۶ ه. ق، در آخر خلافت عثمان، در سن بین دویست پنجاه سال تا سیصد پنجاه سال در مدائن مریض شد و دارفانی را وداع گفت و توسط امیرالمومنین در مدائن به خاک سپرده شد.

سلمان و مسیحیت

آیین مسیح در نخستین جلوه مثل بارقه‌ای از ایمان بر قلب روزبه می‌تابد یک روز که وی از سوی پدر برای سرکشی به مزرعه فرستاده شده بود در مسیر راه خود عبادتگاهی را دید که تعدادی در آن مشغول نیایش و عبادت هستند روح کنجکاوی و پرسشگری او باعث شد تا او به دنبال حقیقت این آئین تازه باشد و

سلمان فارسی ایرانی، از جلیل‌القدرترین صحابی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و از شیعیان خاص و یاران امام علی (علیه السلام) می‌باشد که به بالاترین درجه‌های ایمان و کمال رسید و این شایستگی را یافت که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره او بگوید: «سلمان از ما اهل بیت است».

سلمان در زمان خلیفه دوم حاکم مدائن شد؛ سیره حکومتداری وی برگرفته از سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بود که مورد بازخواست خلیفه قرار گرفت. سلمان سرانجام در سال ۳۴ یا

سلمان بعد از اسلام

در صدر اسلام بخاطر برابری مسلمانان به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بین آنان پیمان اخوت بسته شد که سلمان نیز با ابو درداء پیمان اخوت بست.

اما ماندگاری نام سلمان در تاریخ از حضور او در جنگ خندق بود هنگامی که سواران خزاعی در فاصله چهار روز از مکه به مدینه بودند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را از حرکت قریش و سپاه عظیم عرب با خبر ساختند و نیز هنگامی که مسلمانان از پیمان شکنی یهود مطلع شدند، ابری از هراس بر فضای مدینه گسترده شد.

را بر پشت آن جناب بدید و خود را بر آن فکند و آن را بوسید و گریه کرد و سپس اسلام آورد و داستان خود را برای حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حکایت کرد.

آزادی از بردگی

درباره آزادی سلمان از بردگی روایات زیادی نقل شده است ولی روایتی که بیشتر به آن اعتماد شده است به این قرار است که سلمان به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با ارباب خود قرار داد بست که در ازاء سیصد تا چهارصد درخت خرما زرد و قرمز که می کارد و به ثمر می رساند آزاد شود اما این کار چند سال طول می کشید، و با اعجاز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که درختان خرما به سرعت به ثمر نشستند و خرماهای تازه دادند و سلمان آزاد شد. لذا به همین دلیل سلمان در جنگ های اولیه اسلام شرکت نداشت و نخستین جنگی که موفق به شرکت در آن بعد از آزادی شد جنگ خندق بود.

فروخته و او نیز سلمان را به زنی بنام خلیسه در یثرب فروخت. او کارهای مزارع و نخلستان های این زن را در یثرب انجام می داد که با خبر شد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه مبعوث به امر رسالت شده است اما او نتوانست تا زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مدینه آمد او را ببیند.

تشریف به اسلام

سلمان که از قبل می دانست پیامبری در این سرزمین ظهور می کند و برای او نشانه ای است همچون اینکه صدقه هدیه می پذیرد و بین دو شانه اش مهر پیامبری مهور است لذا وقتی او پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در منطقه قبا بود ملاقات کرد و مقداری خرما برای ایشان به عنوان صدقه برد و دید حضرت به یاران خود دستور تناول دادند ولی خود از آن خرماها تناول نکردند چون صدقه بودند و سپس یک روز در مدینه وقتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را دید مقداری خرما به ایشان هدیه داد و ایشان از این خرماها تناول کردند

و برای دیدن نشانه سوم یک روز زمانی که پیامبر به «مقیع الفرقد» آمده بودند برای تشییع یکی از اصحاب خود، سلمان پشت سر حضرت قرار گرفت و با کنار رفتن جامه حضرت مهر رسالت





اشعار: نسرين سالک جباری

ویراستار: محمدحسن امیر خانی

چاپ اول: ۱۴۰۰

انتشارات سرمدی

معرفی کتاب

یک جرعه شعر

شعر و شاعری و شاعران در ایران و در میان مردم ارج و قرب بالایی دارند. داریوش شایگان در مقدمه‌ی کتابش با عنوان «پنج اقلیم حضور»، نقل کرده است که در سال ۱۳۴۲ همسر نیکوس کاوانتزاکیس (نویسنده‌ی معروف یونانی) به ایران آمده بود و در سفری به شیراز پس از بازدید از مقبره‌های سعدی و حافظ، با شیفتگی فراوان گفت «من در هیچ کجای دنیا ندیده‌ام که مزار و مقبره‌ی یک شاعر بزرگ، زیارتگاه مردم باشد و شاید شما تنها ملت‌ی باشید که با شاعرانش چنین ارتباط معنوی عمیقی دارد و چنان ارجی برایشان قائل است».

و آفرینش ادبی سخن بسیار است و اساتید فن مقاله‌ها و کتاب‌های معتبری در این باره نوشته‌اند که مطالعه‌ی آنها برای اهل ادب و دوستداران شعر و علاقه‌مندان شاعری ضرورت دارد و بسیار راهگشا و آموزنده است.

غرض از اشاراتی که در این سطور به مقوله‌ی شعر و شاعری شد آن است که بگویم سرودن شعر آموزش نمی‌خواهد بلکه بر اساس پرورش قریحه و نظم در اندیشیدن است و هر کس می‌تواند با شناختن قریحه‌ی خود و پرورش آن به این عرصه وارد شود. من در تبریز به دنیا آمده‌ام و در همان جا زندگی کرده‌ام؛ شهری که شاعرانی شهیر چون خاقانی شروانی، صائب تبریزی، شهریار، پروین اعتصامی و بزرگان دیگر از آن برخاسته‌اند که هر کدام قله‌ای در ادبیات پارسی به شمار می‌آیند و شاید نظیرشان دیگر از مادر دهر زاده نشود. با این همه، آن گرایش ذاتی به شعر و شاعری مرا بر آن داشته تا از نوجوانی با تخلص «سالک» به سرودن شعر بپردازم و الهامات و مکنونات قلبی‌ام را در حد بضاعت

التفات ویژه‌ی ایرانیان به شاعرانی چون سعدی و حافظ و مولوی و دیگر برجستگان شعر پارسی صرفاً به خاطر شاعر بودن ایشان نیست بلکه به دلیل پرداختن آنها به مضامین بلند و عمیقی است که افق‌های رنگارنگ و همواره نوشونده‌ای در برابر مخاطبان می‌گشاید و به همین دلیل عیار شعر ایشان با گذر زمان نقصان نمی‌پذیرد.

از پیامدهای توجه ویژه و شورانگیز ایرانیان به شعر، گرایش به شاعری است. چنان که گویی شعر در سرشت مردم ایران است. میل به سرودن شعر در هر ایرانی نهفته است و اگر این استعداد بیدار و پرورده شود بسا که شاعران توانایی از جای این سرزمین کهن سر بر آرند.

سرودن شعر یکی از نشانه‌های تکامل زبان و توانمندی ذهن است زیرا شعر هم با کلام ارتباط دارد و هم با موسیقی و هم با تخیل و هم با تفکر. در واقع شعر آمیخته‌ای است از این چهار فن و توانایی؛ و هر چه این ترکیب ماهرانه‌تر و پرورده‌تر باشد، حاصل کار ماندگارتر و نافذتر است. درباره‌ی شعر

از پیامدهای توجه ویژه و شورانگیز ایرانیان به شعر، گرایش به شاعری است. چنان که گویی شعر در سرشت مردم ایران است. میل به سرودن شعر در هر ایرانی نهفته است و اگر این استعداد بیدار و پرورده شود بسا که شاعران توانایی از جای این سرزمین کهن سر بر آرند.



ذوقی و استعدادم در قالب شعر بیان کنم و البته به مطالعه‌ی متون و اشعار شاعران برجسته هم اهتمام داشته و از راهنمایی‌های استادان و صاحب‌نظران این عرصه بهره برده‌ام. این اولین مجموعه شعر من است که منتشر می‌شود و در آن برخی اشعارم را ارائه کرده‌ام تا در محک خوانندگان و صاحبان نظر و اهل ادب و قلم عیارسنجی شود. این مجموعه با تشویق اهل قلم و به ویژه جناب آقای محمدحسن امیرخانی تنظیم شده و با مساعدت و همراهی جناب آقای دکتر محمدتقی سرمدی (مدیر انتشارات سرمدی) منتشر شده است. از ایشان و همه‌ی دوستانی که مرا در این راه تشویق و ترغیب و راهنمایی کرده‌اند سپاسگزارم.

نسرین سالک جباری

تبریز

اردیبهشت هزار و چهارصد خورشیدی

تو بخواه جان ما را، چه خوشا اگر بیرزد
که سرم سپرده توست، مگر اختیار دارم

به کمند گیسوانم، گذر دو چشم مستت
چه شود اگر بیفتد، هوس شکار دارم

نشود ادای مطلب، ز تو هرچه که نویسم
که نشان به شعرهایم، یکی از هزار دارم

تو ز آمدن نوشتی، شده‌ام دگر مُکَلَّف
دل و جان و روح خود را سر این قرار دارم

همه عمر چشم خود را به ره تو می‌نشانم
که فقط رسیدنت را ز «تو» انتظار دارم

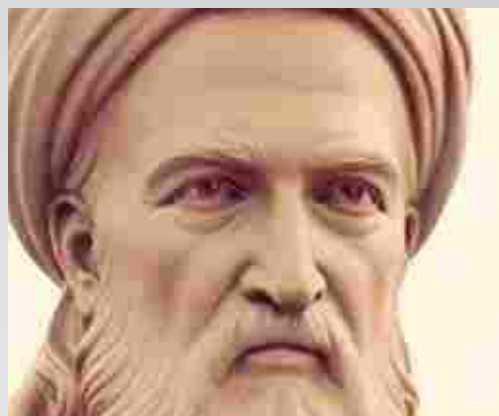
قلم مست و غزل بی‌تاب و عقلم غرق انکار است
سپر دم دل به یاری من، که طنز و جفاکار است
نه دلخون از فراق من، نه بردیدار من مشتاق
گریزان همچو بخت از من، همیشه فکر آزار است
چو صیاد است که از دامش، رهانده صید زخمی را
به درد عشق او قلبم، به میل خود گرفتار است
به ناز و قهر او یک عمر، گذشته روز و شبهایم
شکسته قلب من اما، به عهد خود وفادار است
به چشم من بغیر از او، نشد لایق کسی بر عشق
در این دنیا برای او، چو من هر چند بسیار است
نه دل سازد رها عشقش، نه از یادش شود غافل
از این آشفستگی روحم، پریشان حال و بیمار است

به بهانه سیزده شهریور روز بزرگداشت

ابوریحان بیرونی

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی دانشمند و ریاضی‌دان، همه‌چیزدان، ستاره‌شناس، تقویم‌شناس، انسان‌شناس، هندشناس، تاریخ‌نگار، گاه‌نگار و طبیعی‌دان ایرانی در سده چهارم و پنجم هجری است.

بیرونی را از بزرگ‌ترین دانشمندان مسلمان و یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان ایرانی در همه اعصار می‌دانند. همچنین، او را پدر انسان‌شناسی و هندشناسی می‌دانند. او به زبان‌های خوارزمی، فارسی، عربی، و سانسکریت مسلط بود و با زبان‌های یونانی باستان، عبری توراتی و سریانی آشنایی داشت. بیرونی یک «نویسنده بی‌طرف» در نگارش باورهای مردم کشورهای گونه‌گون بود و به پاس پژوهش‌های قابل توجهش، با عنوان استاد شناخته شده است.



نام

ابوریحان محمد بن احمد در حومه (بیرون) شهر کاث، مرکز امارت خوارزم، متولد شد و بدین سبب، او را «بیرونی» لقب داده‌اند. برخی عربی‌نویسان نظیر یاقوت حموی از او با نام خوارزمی هم یاد کرده‌اند اما جهت جلوگیری از اشتباه گرفته‌شدن او با دیگر دانشمندان ایرانی اهل خوارزم، محمد بن موسی خوارزمی، از این نام کمتر استفاده می‌شود.

سرگذشت

ابوریحان بیرونی ۳ ذیحجه ۳۶۲ قمری، برابر ۴ سپتامبر ۹۷۳ میلادی در حومه کاث، پایتخت امارت آل آفریغ در خوارزم متولد شد. تاریخ تولد ذکر شده را غضنفر تبریزی که علاقه زیادی به بیرونی داشت، گزارش کرده است. بیرونی در سال ۴۲۷ هـ ق سن خود را ۶۵ سال قمری نوشته است که بدین ترتیب باید به سال ۳۶۲ هـ ق متولد شده باشد. او ۲۵ سال اول زندگی خود را در همان شهر سپری کرد و به یادگیری علوم العربیه (فقه و الهیات اسلامی، زبان عربی و غیره) و علوم العجمیه (به خصوص علوم یونانی، ریاضیات، نجوم، طب و غیره) مشغول بود. در این مدت از تعالیم دانشمندانی چون بونصر منصور بن علی بن عراقی جیلانی بهره‌مند شد و نیز برخی از آثار اولیه‌اش را تألیف کرد. او در این دوره از زندگی‌اش با ابن سینای نوجوان که تنها ۷ سال از او کوچک‌تر بود مکاتبه و تبادل نظر داشت که برخی نامه‌هایشان در ربط با فلسفه طبیعی ارسطو و فلسفه مشاء باقی مانده است. احتمال است که بیرونی از سلسله امرای خوارزم، آل آفریغ که در سال ۳۸۵ هـ ق / ۹۹۵ م توسط سلسله رقیب در گرگانج (آل مأمون) از قدرت خلع شدند، طرفداری می‌کرده و شاید با آنان نسبت خانوادگی داشته است. هر چند خود در شعری به اغراق می‌گوید که حتی نمی‌داند پدرش کیست، چه برسد به اجدادش. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی از این بیت برداشت می‌کند که او از خانواده‌ای اشرافی نبوده است.

به هر روی با سقوط آل آفریغ در اثر حمله امیر مأمون بن محمد از گرگانج، واقعه‌ای که بیرونی آن را «نزاع بین دو بزرگ خوارزم» یاد کرده است، زادگاهش را با عجله بسیار و به گونه‌ای که حتی نتوانست پژوهش‌هایش را با خود ببرد، به مقصد بخارا، پایتخت امارت آل سامان، ترک کرد تا با امیر منصور ثانی بن نوح ثانی سامانی (حکومت در ۳۸۷-۳۸۹ هـ ق / ۹۹۷-۹۹۹ م) دیدار کند و به خدمت

نوشته‌هایی از بیرونی در دست است که به وضوح در آن‌ها از گردش زمین به دور خودش نام برده می‌شود. در کتاب «استیعاب الوجوه الممكنة فی صنعۃ الاسطرلاب» ابوریحان می‌گوید: «از ابو سعید سجزی، اسطرلابی از نوع واحد و بسط دیدم که از شمالی و جنوبی مرکب نبود و آن را اسطرلاب زورقی می‌نامید و او را به جهت اختراع آن اسطرلاب تحسین کردم چه اختراع آن متکی بر اصلی است قائم به ذات خود و مبنی بر عقیده مردمی است که زمین را متحرک دانسته و حرکت یومی را به زمین نسبت می‌دهند و نه به کره سماوی





«چرا این فزودن و کاستن نور قمر را است و ستارگان دیگر را نیست؟ میان مردمان نگرستن و ناستادن این معنی‌ها را خلافاست، در روشنایی ستارگان که ایشان را روشنایی از خویشتن است»
شماری از گام‌های ماه کتاب التفهیم (ابوریحان بیرونی)

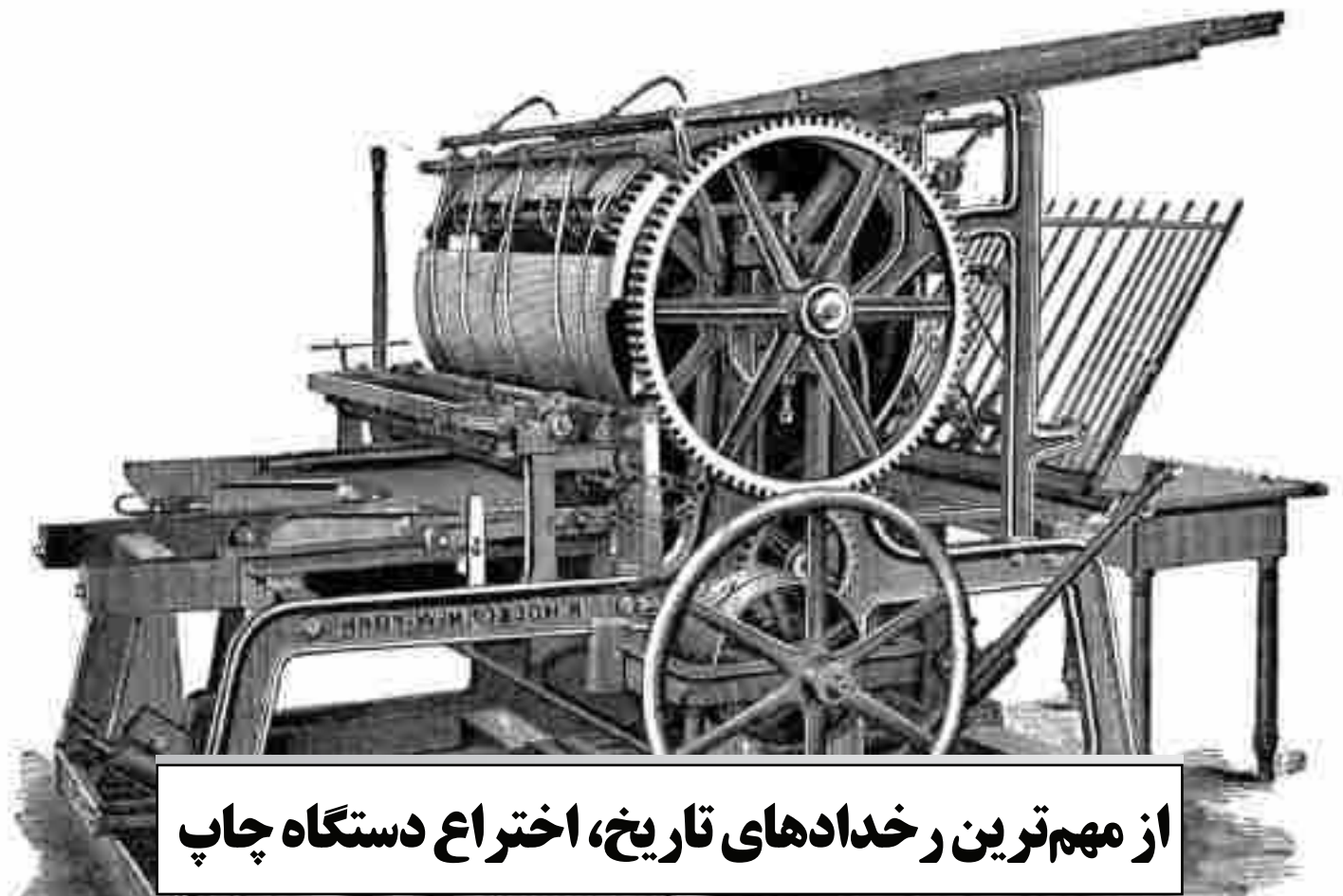
دانشمندان بزرگ عصر چون ابوسهل مسیحی، ابوالخیر خمار، ابن سینا، ابوعلی حبوبی و غیره برایش جاذبه‌ای داشت که نمی‌توانست نادیده بگیرد. در نتیجه، تصمیم گرفت که با امرای آل مأمون صلح کند.

بیرونی دو خسوف ۱۴ ربیع‌الثانی و ۱۳ شوال ۳۹۳ را در گرگان و خسوف ۱۴ رمضان ۳۹۴ را در گرگانج رصد کرد؛ در نتیجه عزیمت او به دربار خوارزم در این بازه زمانی اتفاق افتاده است. با توجه به اشاره ابوریحان در تسطیح الصور و تطبیح الکور کتابی که بیرونی آن را به «ملک العادل ولی النعم خوارزمشاه» تقدیم کرده است به برگزاری جشن سده، ریچر-یرنبرگ تاریخ دقیق ورود او به خوارزم را ۲۰ ژانویه ۱۰۰۴ یا ۱۹ ژانویه ۱۰۰۵ م می‌داند. بعد از درگذشت علی بن مأمون و به قدرت رسیدن برادرش ابوالعباس مأمون بن مأمون (حکومت در ۳۹۹-۴۰۷ هـ.ق / ۱۰۰۹-۱۰۱۷ م) بر ارج و قرب بیرونی در دربار خوارزم افزوده شد.

شرح سدس فخری، دستگاهی ساخته خجندی جهت رصد دقیق ستارگان، نوشته است. سپس راهی دربار اسپهبد ابوالعباس مرزبان بن رستم بن شروین از آل باوند شد و آنجا بود که اثر مهم مقالید علم الهیئه ما یحدث فی سطح بسیط الکره را تألیف کرد. مدتی بعد به گرگان نزد امیر قابوس بن وشمگیر بازگشت.

در زمان اقامت در گرگان، بیرونی کوشید مانند اصحاب ممتحن قطر زمین را اندازه بگیرد و اختلاف نظر موجود در ربط با حاصل کار آنان (۵۶ میل بنا به یک روایت، دو سوم میل بیش از مقدار قبلی مطابق گفته فرغانی) را از میان بردارد. ظاهراً این مسئله برای بیرونی از اهمیتی بسیار داشت، اما قابوس، حامی او، در میانه راه علاقه خود به این موضوع را دست داد و نتیجتاً بیرونی نتوانست کار را به سرانجام برساند. این یک ناامیدی بزرگ برای ابوریحان بود و او تلاش کرد از حمایت امیر دیگری برخوردار شود. نیز امیدش به بازگشت آل آفریغ به قدرت در خوارزم را از دست داده بود و دربار آل مأمون در گرگانج هم به پرورش علم و هنر مشهور شده بود. بازگشت به زادگاهش و هم‌نشینی با

دربار او در آید. او این امیر را به عنوان یکی از اولین حامیان خود ستوده است. مقصد بعدی‌اش گرگان و دربار امیر قابوس بن وشمگیر از آل زیار بود. ظاهراً در ۳۸۸ هـ.ق / ۹۹۸ م بخارا را ترک کرد و مدت زیادی در گرگان ماند. اولین اثر مهم ابوریحان بیرونی به نام آثار الباقیه عن القرون الخالیه در زمان اقامت او در گرگان و به تاریخ ۳۹۰ هـ.ق / ۱۰۰۰ م تألیف و به قابوس تقدیم شد؛ البته بعداً اصلاحاتی بر کتاب اعمال کرد. سفر بیرونی به ری نیز در همین اتفاق افتاده است. ابوریحان در زمان رسیدن به ری فقیر و پریشان شده بود اما امرای آل بویه حمایت قابل توجهی از او نکردند، البته اوضاعش قدری سامان گرفت. بیرونی در آثار الباقیه بعد از ذکر شعری اندر مصائب فقر، شرح می‌دهد که یکی از منجمان ری ابتدا نظر او در ربط با یک مسئله فنی در نجوم را به سخره گرفت اما پس از بهبود اوضاع او، با وی از در دوستی وارد شد. نیز در همین شهر با دو ریاضی‌دان و منجم ایرانی، به نام‌های کوشیار بن لبان گیلانی و ابومحمود حامد بن خضر خجندی، دیدار کرد. بیرونی رساله حکایه آله المسماه بسدس فخری را در



از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ، اختراع دستگاه چاپ

در تقویم ملی ایران یازدهم شهریور به عنوان روز ملی صنعت چاپ نامگذاری شده است

● گردآورنده: رضا سرمدی

چاپ

و در متون مختلف کلمات طبع، باسمه، و تافت به‌عنوان مترادف آن به‌کار رفته‌است.

اختراع چاپ در چین

آسوریان چند هزار سال پیش از میلاد بر خشک‌هایی از گل رس مهر می‌زدند. انگشترهای خاتم نیز که در زمان باستان استفاده می‌شد بر همین اساس کار می‌کرد، چاپ باسمه نیز قرن‌ها قبل از گوتنبرگ در چین شناخته شده بود، در دوران حکومت سلسله تانگ در چین (۹۰۶-۶۱۸)، قدیمی‌ترین نمونه‌های صنعت چاپ دیده شده‌است. در این دوره، نقش‌ها بر روی صفحه‌ای چوبی حکاکی، و بعد بر روی پارچه چاپ می‌شد. اولین اشاره به چاپ، در

را در اصطلاح، انتقال مطالب شامل نوشته‌ها، تصاویر، اعداد و علائم بر روی یک حامل فرم و انتقال آن بر روی یک سطح چاپ شونده و تکرار آن به شمارگان زیاد می‌گویند.

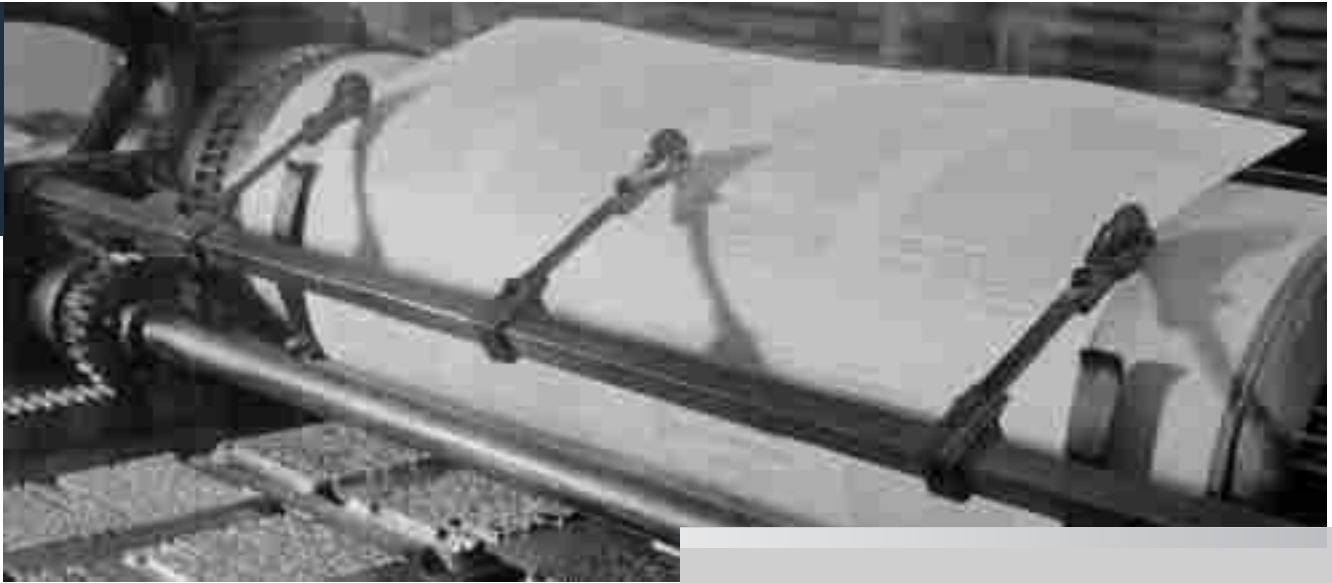
ریشه‌شناسی

واژه چاپ و صورت قدیمی‌تر آن «چهاپ» را برگرفته از واژه مغولی چاو دانسته‌اند که به معنای «فشردن سطحی بر سطح دیگر» است. همچنین «چاپ» در ترکی به معنی کوبیدن یا حرکت مداوم همراه با کوبش است. چاپ در لغت به‌معنای نقش، اثر، مهر و نشان آمده‌است



نخستین بار، یوهانس گوتنبرگ آلمانی در سال ۱۴۵۶ میلادی چاپ را اختراع کرد.

اما بسیاری پیدایش این صنعت را مربوط به چین می‌دانند. این اختلاف عقیده سبب می‌شود تا تصور کنیم شاید تاریخچه این صنعت حتی به قبل از چینی‌ها برسد.



در تمام این ۲۰۰ سال همواره با تلاش و کوشش کارگران این صنعت پیشرفت کرده و جان گرفته است. تا جایی که برای قدردانی از تمامی این زحمات روزی به عنوان روز ملی صنعت چاپ تعیین شد.

بود. البته هشت سال قبل از ورود چاپ سنگی به ایران چاپ سربی راهاندازی شده بود، ولی به علت هزینه و زحمت زیاد آن، پس از ورود چاپ سنگی، کنار گذاشته شد ولی بعدها در دوره قاجار دوباره استفاده از حروف سربی رایج گردید. اولین چاپخانه بروش حروفچینی (چاپخانه حروفی) در اواخر دهه ۱۲۷۰، توسط یوسف اعتصامی (اعتصام الملک آشتیانی پدر پروین اعتصامی) در تبریز دایر گردید.

تفاوت چاپ دیجیتال و چاپ افست

چاپ افست و چاپ دیجیتال از پرکاربردترین انواع چاپ به شمار می روند که حضورشان در زندگی بشر، اتفاقات مهم و جذابی را در زمینه های مختلف رقم زده است. یکی از آن اتفاقات جذاب می تواند چاپ دیجیتال روی کاغذ و مقوا باشد. اگر شما نام طراح یا گرافیست را بدک می کشید، چاپ افست و دیجیتال مرهون حضور شما هستند چراکه با پیشرفت متخصصین طراحی، صنعت چاپ رونق بسیار گرفته و بشر به طرق مختلف به سراغ آن می رود.

مناسب کنار هم قرار داد، بر آن‌ها مرکب مالید، و بر ورق‌های کاغذ فشرد و به این ترتیب چاپ نوین را ایجاد کرد. وی حروف را ابتدا از جنس چوب، سپس از سرب، و بعدها از آلیاژ سرب، قلع، و آنتیموان ساخت وی نسبت فلزات آلیاژ را به گونه‌ای انتخاب کرد که حروف بیش از حد سخت و نرم نباشند.

ورود صنعت چاپ به ایران

درباره شروع چاپ سنگی در ایران روایات متعددی وجود دارد، اما روایت قوی‌تر این است که چاپ سنگی را نخستین بار میرزا صالح شیرازی در تبریز راهاندازی کرد. میرزا صالح که از سوی دولت ایران برای فراگیری هنرهای جدید به اروپا رفته بود، در بازگشت یک دستگاه چاپ سنگی با خود به تبریز آورد که آن را در سال ۱۲۲۵ هجری قمری راه انداخت. چاپخانه سنگی در مدت کوتاهی در تهران، اصفهان و سپس سایر شهرهای ایران تأسیس شد و بیش از ۵۰ سال تنها روش چاپ در ایران بود و تا اواخر دوره قاجار، هر چه در ایران چاپ می‌شد، به روش چاپ سنگی

سال ۵۹۳ و یک فرمان حکومتی چینی است که در آن، امپراتور ون‌تی، دستور می‌دهد تصاویر و متون بودایی را چاپ کنند. این متون را اول بر قطعه‌ای کاغذ نازک می‌نوشتند و بعد آن را بر صفحه‌ای چوبی می‌چسبانند و متن را بر روی چوب حکاکی می‌کردند تا یک «زینک» چوبی بسازند و از آن برای چاپ متن استفاده کنند. این شیوه زمان زیادی می‌برد، چرا که هر صفحه از کتاب باید بر یک صفحه چوبی جداگانه حکاکی می‌شد.

ابداع گوتنبرگ

در ۱۴۵۲، یوهانس گوتنبرگ آلمانی به ایده چاپ متحرک تحقق بخشید. وی در کارگاهش فناوری ساخت ورق، جوهر با پایه روغنی و پرس را برای چاپ یک کتاب گرد هم آورد و دستگاه چاپ را اختراع کرد. در واقع او فناوری‌هایی را که سال‌ها قبل برایشان فکر و تلاش شده بود، به ثمر رساند.

گوتنبرگ، چاپگر آلمانی، نخستین کسی بود که برای هر حرف، قطعه فلزی جداگانه‌ای در نظر گرفت. وی قطعه‌ها را برای ترکیب کلمات

مؤسسه خیریه عصای سفید

در خدمت آموزش و توانبخشی رایگان به نابینایان و کم بینایان
کمک های نیکوکارانه شما را پذیرا هستیم.

راهم راهموارکن
آنگاه همه چیز را خواهیم دید
و نور اینتر

مؤسسه خیریه عصای سفید

تهران - خیابان سید جمال الدین اسدآبادی - میدان فرهنگ

انتهای خیابان ۳۶ غربی - پلاک ۲۸ - مجتمع شهید محمدرضا باقری - طبقه سوم

صندوق پستی: ۴۹۱۵ - ۱۵۸۷۵ کد پستی: ۱۴۳۱۹۴۳۱۸۶

تلفن: ۸۸۰۱۵۱۲۵ - ۸۸۰۱۵۲۰۳ نمابر: ۸۸۰۱۵۲۰۳

حساب جام ۱۷۶۰۱۶۸۶۸۸ بانک ملت شعبه سید جمال الدین اسدآبادی کد شعبه ۶۵۵۰/۸

پرداخت از طریق کارتهای عضو شتاب با شماره ۶۱۰۴۳۳۷۹۹۶۴۴۴۷۷۲





نیکوکار ارجمند

دیدن کودکی خندان شاید زیبا ترین صحنه زندگی باشد، اما فرزندانی محروم از نعمت گرانبه‌ای پدر هم هستند که در کوران حوادث تنها مانده و با چشم نگران به دنبال تکیه گاه می‌گردند. چه زیباست زندگی را پر بار کنیم و در این مسیر معنوی از فروش تا عرش از خاک جسم سر برآریم و دستان کودکی یتیم را در دستان خود بگیریم. باشد که گرمای وجود او گرما بخش زندگی ما باشد.

موسسه خیریه حضرت فاطمه زهرا (س) سازمانی است مردم نهاد، خیریه و غیرانتفاعی که فعالیت خود را از سال ۱۳۶۸ در تهران آغاز و در حال حاضر پروانه ارائه خدمات خیریه ای را در سطح کشور دارا می‌باشد. حیطه اصلی ارائه خدمات موسسه حمایت از فرزندانی محروم از پدر یا محوریست مادر خانواده مددجو است و علاوه بر آن نیازمندان خاص دیگری که استحقاق کمک‌ها و خدمات موسسه را دارند تحت پوشش قرار داده است.

دفتر مرکزی: تهران، ابتدای شهید محلاتی، نرسیده به پل ری، تقاطع درب جنوبی بیمارستان بازرگانان، پلاک ۳۵۲، تلفن: ۰۲۱۳۵۰۸۹۸۱، فاکس: ۰۲۱۳۷۷۸۵۹

دفتر قبول سفارشات تناج گل و تابلوهایی تسلیت تهران، خیابان خواجه عبدالله انصاری، بعد از تقاطع بنی هاشم، ج شهید رحیمی کلور، پلاک ۳۳، تلفن: ۰۲۱۳۳۰۵۰۲۰۱، فاکس: ۰۲۱۳۳۰۵۰۲۰۰، تلفن همراه: ۰۹۰۲۶۳۳۰۵۰۲۰۱

دفتر توزیع و جمع آوری کمک و صندوق صدقات تهران، خیابان خواجه عبدالله انصاری، بعد از تقاطع بنی هاشم، ج شهید رحیمی کلور، پلاک ۳۳، تلفن: ۰۲۱۳۳۰۵۰۲۰۱، فاکس: ۰۲۱۳۳۰۵۰۲۰۰، تلفن همراه: ۰۹۰۲۶۳۳۰۵۰۲۰۱

شماره حسابهای بانکی جهت دریافت هدایای نقدی نیکوکاران:

حساب جاری جام ۵۵۱۱۹۶/۵۷ بانک ملت شعبه نیاوران کد ۶۵۱۹/۳

حساب جاری سیبا ۶۳۱۳۳۷۸۰۰۸ بانک ملی شعبه نیاوران کد ۷۷۱

www.fatemezhahra.org



نگاهی به تازه‌های نشر

زندگی

دانشمندان بزرگ

سفر به تاریخ

این سینا



محو آثار پزشکی جهان



رازی



محو آثار پزشکی جهان

